

# کنترل تسلیحات و خلع سلاح

## از منظر حقوق بین الملل

◆ قاسم بشیری

(کارشناس ارشد روابط بین الملل)

### تعریف خلع سلاح:

برای خلع سلاح تعریف واحد و جامعی وجود ندارد. خلع سلاح به معنای مطلق کلمه عبارت است از: کاهش یا نابودی تسلیحاتی در سطح بین المللی بدون در نظر گرفتن ماهیت، کمیت و کیفیت سلاح است. خلع سلاح را می توان با توجه به محدود بودن منطقه ای یا ملی آن، تقلیل یا انهدام تسلیحات منطقه ای و ملی نیز تعریف کرد. در چارچوب تعریف حقوق بین المللی، خلع سلاح در سه مفهوم کاملاً مشخص به کار می رود:

- ۱- خلع سلاح دولت مغلوب؛
- ۲- از میان بردن تمام سلاح ها در تمام جهان؛
- ۳- کاهش یا نابودی نیروهای مسلح و تسلیحات ملی از طریق عهدنامه های بین المللی.

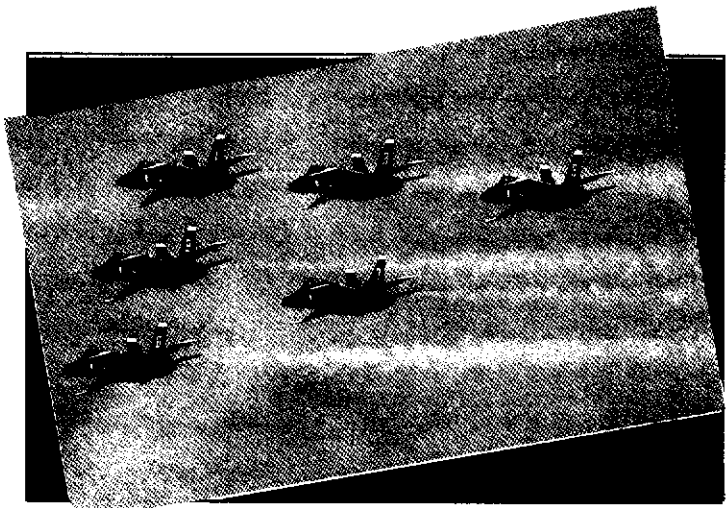
برخی اصطلاح خلع سلاح را با توجه به پیدایش شرایط نظامی جدید پس از جنگ های جهانی دوم، قدیمی و منسوخ دانسته و اصطلاح کنترل تسلیحات را جانشین آن کرده اند. ظاهراً کنترل تسلیحات دارای معنا و مفهوم وسیع تری است؛ چرا که تمام شکل های محدودیت و تقلیل کمی و کیفی سلاح ها اعم از سلاح های سنتی و هسته ای را در بر می گیرد. خلع سلاح ادامه سیاست صلح طلبانه از طریق کاهش ابزارها و سیستم های نظامی است. در حالی که کنترل تسلیحات تداوم سیاست صلح طلبانه از طریق خویشتن داری متقابل در خصوص کاهش یا افزایش ابزارهای نظامی است. اصطلاحات خلع

سلاح و کنترل تسلیحات گاه به یک معنی به کار می روند. مسئله مهم این است که آیا سیاست اعمال شده یا توصیه شده در زمینه خویشتن داری تسلیحاتی، آگاهانه و عمومی است یا فرصت طلبانه و موردی.

در هر حال با توجه به وجود تعاریف مختلف، چنین استنباط می شود که برداشت واحدی در مورد خلع سلاح وجود ندارد؛ هر کشور، سازمان، پژوهشگر یا شخصیتی با عنایت به موقعیت زمانی و مکانی و وضعیت کمی و کیفی تسلیحات و نقش آنها در تخریب یا بازدارندگی، تعریف خاصی ارائه داده است. با این حال، در مجموع می توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم خلع سلاح به معنای وسیع کلمه، شامل از بین بردن سلاح های مخرب و کشتار جمعی و تنظیم و اجرای سیاست کاهش و محدودیت نیروهای نظامی می شود.

### اهداف خلع سلاح:

اولین و اساسی ترین هدف از خلع سلاح، تأمین و حفظ صلح و امنیت جهانی است. برقراری صلح بدون خلع سلاح نمی تواند واقعی باشد، بلکه حالتی است که باید آن را صلح مسلح نامید. به عبارتی، خلع سلاح هدف نهایی نیست، بلکه وسیله ای است برای تحقق هدف بزرگتری که همانا



ایجاد امنیت جهانی است.

امنیت ناشی از خلع سلاح، می‌تواند امکاناتی چون رفاه اجتماعی، سالمسازی محیط زیست و فقرزدایی را فراهم آورد و در سایه ایجاد تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز، جامعه بشری را به مسیر پویا و تحمل‌پذیری سوق دهد.

اهداف خلع سلاح را مختصراً در مقوله‌های زیر می‌توان مطرح کرد:

۱- نجات بشر از نابودی حتمی ناشی از کاربرد سلاح هسته‌ای؛

۲- جلوگیری از فقر و گرسنگی با تخصیص منابع تسلیحاتی به امور صلح‌آمیز؛

۳- تأمین امنیت روانی و علمی و سیاسی؛

۴- استفاده از تکنولوژی انرژی هسته‌ای جهت رونق اقتصادی و اهداف بشردوستانه.

خلع سلاح در افراتلی‌ترین صورت آن عبارت

است از الغای جنگ با از بین بردن سلاح‌هایی که

نقش اساسی در بروز جنگ دارند. گذشته از این

هدف‌های اصلی و اولیه، اهداف فرعی و ثانویه‌ای

نیز در خلع سلاح و محدودیت تسلیحاتی دنبال

می‌شود که از آن جمله انصراف از هزینه‌های

سنگین نظامی و اختصاص آن به مقاصد صلح‌جویانه

و بالا آوردن سطح زندگی مردم به‌ویژه در کشورهای

توسعه نیافته است.

### کنترل تسلیحات (Arms Control)

اقداماتی که به‌طور یک‌جانبه یا بر پایه

موافقت‌نامه‌هایی در میان کشورها صورت می‌گیرند

تا خطر جنگ به‌وسیله تدابیری همچون کاهش

بخشی از سلاح‌ها، ترتیبات امنیتی برای اجتناب

از جنگ هسته‌ای و تثبیت سقف نیروها کاهش

یابد. اقدامات مربوط به کنترل تسلیحات هدفش

فقط محدود کردن جنبه‌های مشخص از مسابقه

تسلیحاتی است و به‌عنوان مثال، سعی می‌شود

که انواع معینی از سلاح‌ها ممنوع شوند، آزمایش‌های

هسته‌ای محدود گردند و بعضی از مناطق

جغرافیایی غیرنظامی اعلام شوند.

اگرچه اصطلاح کنترل تسلیحات و خلع سلاح

گاه بدون در نظر گرفتن تفاوتی که با هم دارند به‌کار

برده می‌شوند اما در واقع با هم فرق دارند؛ زیرا

هدف اصلی کنترل تسلیحات پیش از آنکه کاهش

یا از بین بردن سلاح‌ها باشد تثبیت وضع سلاح

است.

اقداماتی که تاکنون در زمینه محدود کردن

مسابقه تسلیحاتی در دوران معاصر صورت گرفته

عبارتند از:

۱- قرارداد قطب جنوب (۱۹۵۹ م) برای

غیرنظامی کردن منطقه قطب جنوب.

۲- قرارداد منع ناکامل آزمایش‌های هسته‌ای

(۱۹۶۳ م) که تمام آزمایش‌های هسته‌ای به جز

آزمایش‌های زیرزمینی را ممنوع می‌کند.

۳- قرارداد فضای خارجی (۱۹۶۷ م) که

استفاده تسلیحاتی از فضای ماورای جو و کرات

آسمانی را ممنوع می‌کند.

۴- برقراری خطوط ارتباط مستقیم (خط

سرخ) بین مسکو و واشنگتن، مسکو و پاریس،

مسکو و لندن در دهه ۱۹۶۰ م.

۵- قرارداد منع سلاح‌های هسته‌ای در

آمریکای لاتین (۱۹۶۷ م) که یک منطقه عاری

از سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین به‌وجود

آورد.

۶- قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

(۱۹۶۷ م) که در صدد محدود کردن سلاح

هسته‌ای در بین اعضای جامعه بین‌المللی بود.

۷- قرارداد بستر دریا (۱۹۷۰ م) که کشورهای

امضاکننده را از استقرار سلاح‌های هسته‌ای در

بستر دریا در فاصله بیش از دوازده مایل از آب‌های

ساحلی منع می‌کند.

۸- قراردادهای محدودسازی سلاح‌های

استراتژیک معروف به سانت‌۱ و ۲ که کوشش‌هایی

از جانب اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات

متحده آمریکا برای محدود کردن مسابقه

تسلیحاتی بود.

۹- پروتکل الحاقی (۱۹۷۷ م) جهت منع

گسترش سلاح‌های هسته‌ای و افزایش کارایی

پیمان یا قرارداد (N. P. T) طراحی و به این پیمان

الحاق شده است.

که در این مبحث به موارد ۶ و ۹ این قراردادها

پرداخته می‌شود؛ چون که در اوضاع و احوال

کنونی که دنیای غرب، ایران را تحت فشار جهت

امضا و اجرای کامل این پروتکل نموده است به

موارد این پیمان و پروتکل الحاقی پرداخته

می‌شود

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

Non Proliferation Treaty (N. P. T)

قراردادی بین‌المللی برای منع گسترش

بر اساس مواد چهار و پنج پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، توسعه تحقیقات و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای نه تنها حق غیرقابل انکار هر یک از اعضا دانسته شده، کشورهای عضو دارند این تکنولوژی‌موظف شده‌اند زمینه دستیابی به آن را برای کشورهای فاقد این تکنولوژی فراهم کنند و هیچ‌گونه تبعیضی در این فرآیند نباید اعمال شود.

سلاح‌های هسته‌ای در میان کشورهای غیر هسته‌ای. قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حاصل چهار سال مذاکره سخت و مفصل در کمیته خلق سلاح هجده ملت و کمیته امنیتی و سیاسی مجمع عمومی بود که به تهیه پیش‌نویس این قرارداد منجر شد و با تصویب آن به وسیله مجمع عمومی در ژوئیه ۱۹۶۸ م، صورت قانونی یافت.

پیمان کاهش سلاح‌های هسته‌ای در شرایط دوره جنگ سرد به امضای کشورهای آمریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی سابق رسید و دارای یک مقدمه و یازده ماده می‌باشد.

در مقدمه این پیمان به زیان‌های جنگ هسته‌ای، خطرات گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و عده همکاری در حوزه فعالیت‌های صلح‌جویانه هسته‌ای و توسعه این تکنولوژی و تبادل اطلاعات علمی با اهداف صلح‌جویانه اشاره شده است.

از جمله موارد دیگری که در مقدمه آمده و قابل توجه است، امضای پیمان (N. P. T) در راستای روند خلق سلاح عمومی و کامل (حتی ابر قدرت‌ها) است و بالاتر اینکه بر اساس منشور سازمان ملل، هرگونه تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر نفی شده است.

طبق ماده یک، دو وسیه پیمان، کشورهای عاقل و متعهد می‌شوند از انتقال سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی ساخت آن به کشورهای دیگر خودداری کنند. کشورهایی که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، نیز از قبول و یا انتقال این سلاح‌ها و مواد مشتق پذیر منع شده‌اند.

در نبال مقدمه همچنین آمده است: «اعضای این پیمان که فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند، هرگز نباید استفاده از این ماده، مواظقت‌هایی را به صورت انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا بر طبق اساس نامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا آژانس منطقه‌ای منظورند».

بر اساس مواد چهار و پنج پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، توسعه تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای نه تنها عمل غیرقابل انکار هر یک از اعضا دانسته شد، بلکه کشورهای عضو دارنده

اولین و اساسی‌ترین هدف از خلق سلاح، تأمین و حفظ صلح و امنیت جهانی است. برقراری صلح بدون خلق سلاح نمی‌تواند واقعی باشد، بلکه مالتی است که باید آن را صلح مسلح نامید. به عبارتی، خلق سلاح هدف نهایی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای تحقق هدف بزرگتری که همانا ایجاد امنیت جهانی است.

بهره‌برداری صلح‌جویانه و ساخت نیروگاه‌های اتمی خودیاطی سالیان متمادی نه تنها از همکاری اصولی سایر اعضای دارنده تکنولوژی هسته‌ای بهره کافی را نبرده است، همواره با کارشکنی‌های پی‌درپی آنها مواجه شده است. بدین ترتیب و با توجه به این سابقه عدم همکاری، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند طبق موارد مصرح در مقدمه مواد ۴، ۵ و ۱۰ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از این پیمان خارج شود، بدون آنکه با عکس‌العمل‌ها و عوارض احتمالی بعدی مواجه خواهد شد.

پروتکل الحاقی (Additional Protocol) پروتکل الحاقی که در سپتامبر سال ۱۹۹۷ م، تنظیم شده، دارای یک پیش‌گفتار، یک مقدمه و هجده ماده است. در پیش‌گفتار یادآوری شده است که این پروتکل در جهت اهداف منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و افزایش کارایی پیمان (N P T) طراحی شده است. در واقع می‌توان گفت که این پروتکل به پیمان مذکور "الحاق" شده است.

مقدمه و هجده ماده ذکر شده به شکل «نمونه قرارداد» بین کشور متقاضی و آژانس بین‌المللی

این تکنولوژی موظف شده‌اند زمینه دستیابی به آن را برای کشورهای فاقد این تکنولوژی فراهم کنند و هیچ‌گونه تبعیضی در این فرآیند نباید اعمال شود.

راه‌های پیشگیری از رقابت‌های هسته‌ای، انعقاد پیمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای در این رابطه، ارائه پیشنهادات اصلاحی پیمان (NPT) توسط کشورهای عضو و محقق شدن کشورهای دیگر به این پیمان نیز طی مواد شش، هفت، هشت و نه درج شده است.

ماده ده تصریح کرده است: «چنانچه هر یک از اعضای پیمان تشخیص دهد خود را در معرض تهدید مستقیم به موضوع این پیمان، منافع عالی کشورش را به مخاطره انداخته است، این حق را خواهد داشت که در اعمال حق حاکمیت ملی خود از این پیمان کناره‌گیری نماید».

آخرین ماده پیمان (ماده ۱۱) نیز همچون انگلیسی، روسی، فرانسه، اسپانیایی و چینی این پیمان را دارای اعتبار واحد دانسته و زمان انعقاد آن ژوئیه ۱۹۶۸ م، ذکر کرده است. دولت ایران، اگرچه این پیمان را در چند سال قبل امضا کرده است، ولی متأسفانه در

انرژی اتمی است، که البته به جای نام کشور به صورت نقطه چین آمده است. به این ترتیب هر کشور متمایل به امضای پروتکل الحاقی، ملزم می شود، قرارداد از پیش نوشته شده را امضا نماید، ولی می تواند این پروتکل را به طور مشروط بپذیرد.

در مقدمه، همچنین آژانس که طرف قرارداد با کشورهاست، متعهد می شود در توسعه فنی و اقتصادی این کشورها اخلال نکند، به حقوق افراد و سلامتی آنها احترام بگذارد و در خصوص حفاظت از اسرار تجاری، تکنولوژی و صنعتی و سایر اطلاعات محرمانه ای که از آنها آگاه می شود، احتیاطات لازم را انجام دهد. البته جا دارد فقط اشاره شود که فعالیت های بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی طی دهه ۱۹۹۰ م. و دو سال نخست دهه ۲۰۰۰ م. نشان داده است که نه تنها احتیاط های لازم صورت نمی گیرد، حتی قدرت های بزرگ و تحت پوشش همین آژانس می توانند در کشورهای مورد نظر خود به فعالیت های جاسوسی بپردازند. از جمله مواد مهم و حساس پروتکل الحاقی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

در ماده دو، کشور امضاکننده پروتکل موظف می شود اطلاعات مشخص شده در این ماده، در خصوص فعالیت های هسته ای، ظرفیت تخمینی تولید سالانه معادل اورانیوم و کارخانجات غلیظ کننده "اورانیوم" و "توریوم" را در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار دهد.

ماده دو بسیار مفصل است و دقیقاً اطلاعات درخواستی آژانس را مشخص کرده است. به نظر می رسد که ماده چهار بحث انگیزترین مورد در کل پروتکل باشد؛ زیرا این ماده تحت عنوان "دسترسی های تکمیلی" این حق را به آژانس بین المللی انرژی اتمی می دهد که نسبت به اطلاعات داده شده توسط کشور عضو پروتکل ابراز تردید نماید و خود را سبب جهت بازرسی وارد عمل شود؛ در تفصیل شماره دو بند "ب" این ماده آمده است: «در صورت درخواست آژانس برای دسترسی به هر قسمت از یک ساختمان، که این دسترسی توأم با بازدیدهای بررسی اطلاعات

طراحی یا بازرسی های ویژه یا معمول از آن ساختمان باشد، مدت اطلاع قبلی (به کشوری که می باید ساختمان آن مورد بازرسی قرار گیرد) دستکم دو ساعت می باشد، اما در وضعیت های استثنایی این مدت می تواند کمتر از دو ساعت باشد.

ماده هفت، که هیچ ضمانت اجرایی ندارد و فقط در حد یک توصیه اخلاقی است، (اعضای بازدیدکننده آژانس بین المللی انرژی اتمی را موظف می کند در صورت تقاضای کشور بازدید شونده، از انتشار اطلاعات حساس هسته ای و تجاری خودداری می کنند).

در ماده هشت، کشور امضاکننده ملزم می شود، اجازه بازرسی از هر مکانی را که آژانس تمایل دارد، به او بدهد.

در ماده هجده، یکی از اهداف پروتکل، فعالیت های تحقیق و توسعه مربوط به چرخه سوخت هسته ای به شرح زیر می باشد:

تبادل مواد هسته ای، غنی سازی هسته ای، تولید سوخت هسته ای، راکتورها، مؤسسات بحرانی، بازآوری سوخت هسته ای....  
یک نکته در باره این بخش از ماده هجده قابل یادآوری است:

تقریباً چنین اهدافی در پیمان "منع گسترش سلاح های هسته ای" ذکر شده است، ولی کشورهای دارنده تکنولوژی هسته ای نه تنها در مورد تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر، طبق ماده مصرح در پیمان، عمل نکرده اند، بلکه برعکس، تا آنجا که توانسته اند کارشکنی کرده اند.

و ایران، تحت فشار نظام بین المللی، بیانیه تهران را با توافق به عمل آمده با وزیر خارجه آلمان، انگلیس و فرانسه قبول نموده که این پروتکل را امضا نمایند و غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و این کشورها متعهد شده اند که در تکنولوژی هسته ای در جهت اهداف صلح جویانه ایران را کمک فنی نمایند.

قابل توجه مؤلفین و مشترکین محترم  
ماهنامه دادرسی

بدین وسیله به اطلاع می رساند  
صندوق پستی نشریه دادرسی به  
شماره جدید ۱۳۱۵-۱۶۷۶۵ تغییر  
نموده است.

